

مرحوم قوجانی ضمن اینکه با این کلام - که از امام نقل کردیم - موافق است، تلاش دارد که مطلب مرحوم آخوند را به گونه ای دیگر تقریر کند.

وی می نویسد:

«لا يقال: ان العنوان الكلي انما يحكى عن الجهة المشتركة لا عن الخصوصيات الفردية فكيف يكون

آلة للحاظ الخصوصيات؟

لأننا نقول: ان الكلي لما كان متحداً مع الفرد - بل هو عينه بحسب الوجود و يكون عنواناً له فيصح

ان يحكى عنه به، لصحة الحكاية عن الشئ بعنوانه كما في معرفة جميع الاشياء بالوجه. نعم لو كان الموضوع

له الخصوصيات بمفهومها لا بوجوداتها لأشکل الامر، لعدم كون العام عنواناً لمفهوم الخاص كما لا يخفى.

و الذي يسهل الخطب ان الموضوع له الخصوصيات بوجودتها، فتدبر.»^۱

توضیح :

(۱) مفهوم کلی از مفهوم جزئی، حکایت نمی کند، اما ..

(۲) مفهوم کلی از وجودات جزئی خارجی حکایت می کند.

(۳) در «وضع عام؛ موضوع له خاص» مفهوم کلی تصور می شود ولی لفظ بر وجودات مصادیق (و نه مفاهیم مصادیق) قرار داده می شود.

در تکمیل (یا تصحیح) فرمایش ایشان می گوئیم آنچه در عالم خارج است، وجود خارجی است و از این وجود خارجی گاهی مفهوم «زید» و گاهی مفهوم «انسان» و گاه مفهوم «حیوان» و ... انتزاع می شود. پس مفهوم انسان و مفهوم زید با هم مغایر هستند. ولی هر دو وجود واحدی در عالم خارج دارند. حال اگر مفهوم انسان تصور شد (وضع عام) ممکن است لفظ بر همان مفهوم گذاشته شود (موضوع له عام) و ممکن است بر وجود انسان گذاشته شود. در این صورت موضوع له، «مفهوم زید» و «وجود زید» نیست بلکه وجودی است که این مفهوم در خارج دارد. (اگرچه وجوداً با مفاهیم دیگر - مثل مفهوم زید - متحد باشد).

پس موضوع له و معنای لفظ، مفهوم کلی نیست بلکه وجود خارجی آن کلی است.

نکته بسیار مهم آن است که در این صورت، «موضوع له» دارای هیچ مفهومی نیست و صرفاً ناظر به وجود خارجی است.

(چنانکه در معنای حرفی همین گفته شده است)

به عنوان مثال: معنای «ابتداء» تصور می شود (وضع عام) ولی لفظ «من» برای «وجودات خارجی ابتداء» قرار داده می

شود. در این صورت لفظ «من» دارای مفهوم نیست ولی دارای معنا (یعنی مقصود و موضوع له) هست. و لذاست که اگر «من» را

مبتدا قرار دادید، باید برای آن معنای اسمی (مفهوم) فرض کنیم.

۱. تعلیقة القوجانی علی کفایة الاصول؛ ج ۱ ص ۴۸



حال : اگر مراد مرحوم قوجانی همین است که سخن ما تکمیل فرمایش ایشان بود ولی اگر مرادشان آن است که مفهوم انسان تصور می شود و لفظ برای وجود زید و عمرو (ونه وجود انسان در خارج) قرار داده می شود. سخن ایشان با مشکل مواجه است.

